

سُورَةُ الْهُمَزَةِ ١٠٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ
﴿١﴾

وای! بر عیبجو که باشد هرزه‌گو طعنه‌زن، اندر کلام و فکر و خو
الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ
﴿٢﴾

آن که روی هم نهد اموالِ خویش مالجویی بهر ایشان گشته کیش
يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ
﴿٣﴾

او بیندارد زِ جهلی بی‌کران که نماید مالش او را جاودان
كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ
﴿٤﴾

این‌چنین نبود، چو در فرجامِ کار او به حُطْمَه افتد و گردیده و زار
وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ

﴿۵﴾

تو چه دانی حُطْمَه در مفهوم یا چگونه سخت عذاب مُهلکیست؟
چیست؟

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ

﴿۶﴾

هست شَرَر از آتشِ حق در عیان بر فروزد، می کشد شعله زبان
الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأُفُودَةِ

﴿۷﴾

آتشی کز دل بگردد پُرفروز سرزند از قلب، اندر آه و سوز
إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ

﴿۸﴾

شعله ها گردیده بر ایشان محیط می شود از هر طرف، شعله بسیط
فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

﴿۹﴾

چون ستون ها استوار و پایدار شعله ها بر دورِ او همچون جدار